

بین‌المللی شدن یوآن و تأثیر آن بر روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با چین

حسن شاه‌بیگ^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

چکیده

یکی از موضوعات مهم در اقتصاد سیاسی بین‌الملل به موضوع پول مربوط می‌شود. این موضوع از آنچنان اهمیتی برخوردار است که ریشه‌های جنگ جهانی دوم را نیز به آشفتگی ایجاد شده در زمینه مدیریت بین‌المللی پول در دهه ۱۹۳۰ نسبت داده‌اند. بر این اساس، با پایان جنگ، سازوکار جدیدی به نام صندوق بین‌المللی پول، و براساس دلار آمریکا، به‌منظور مدیریت امر مزبور ایجاد گردید. با وجود این، بتدریج نظام شکل گرفته بر اساس دلار رو به ضعف نهاد و ورود ارزهای دیگری در این زمینه مورد توجه جهانیان قرار گرفت. در این راستا، تقویت قدرت اقتصادی چین، پس از آغاز سیاست درهای باز از اواخر دهه ۱۹۷۰ توسط این کشور، منجر به توجه فزاینده جهانی به یوآن به‌عنوان یکی از ارزهای عمده در مقولات مختلف اقتصادی گردید و طی سال‌های اخیر مقالات و نوشتارهای مختلفی در خصوص بین‌المللی شدن یوآن به رشته تحریر درآمدند.

دغدغه ایجاد شناخت از شرایط اقتصادی کشوری همانند جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از بازیگران رسمی نظام بین‌الملل و دارای رویکرد کلی انقلابی و غیرهمسو با منافع غرب، به‌ویژه با دولت آمریکا، نویسنده نوشتار حاضر را بر آن داشت تا ضمن ارائه نگاهی توصیفی-تحلیلی به موضوع جایگاه یوآن در نظام اقتصادی جهانی و ملزومات بین‌المللی شدن آن، مقوله روابط اقتصادی دو کشور ایران و چین را در چارچوب آن بویژه در دوره خروج آمریکا از توافق هسته‌ای برجام و اعمال تحریم‌های یکجانبه آن کشور علیه جمهوری اسلامی ایران، مورد ارزیابی قرار دهد. تجزیه و تحلیل نوشتارها و سوابق موجود بیانگر آن است که روابط اقتصادی دو کشور ایران و چین بویژه پس از خروج آمریکا از توافق برجام به‌سمت یوآنی شدن در کلیه ابعاد خود در حال پیش‌روی است.

واژگان کلیدی

بین‌المللی شدن یوآن، کنلون، دلار، مدیریت بین‌المللی پول، صندوق بین‌المللی پول، حقوق برداشت مخصوص.

مقدمه

پایان جنگ جهانی دوم بیانگر شکل‌گیری نظام بین‌الملل جدیدی بود. در چارچوب نظام جدید، خرده نظام‌های بین‌المللی مختلفی شکل گرفتند که مهم‌ترین آنها شامل خرده نظام سازمان مللی و خرده نظام برتون‌وودزی بود. خرده نظام سازمان مللی، برغم قائل شدن به حق وتو و اعطای قدرت برتر به برخی از کشورها، با عنایت به نظام تصمیم‌گیری «یک کشور - یک رای» نقش نسبتاً برابری به تمامی کشورها اعطا نموده است. این در حالیست که خرده نظام برتون‌وودزی متشکل از صندوق بین‌المللی پول و گروه بانک جهانی بر اساس «یک دلار - یک رای» بنا نهاده شد و هر کشوری که دارای ثروت و قدرت اقتصادی بیشتری بود دارای قدرت حاکمیت بیشتری در آن گردید که تاکنون نیز این وضعیت با اندک تغییرات و اصلاحاتی همچنان به حیات خود ادامه داده است.^۱ بر این اساس، با عنایت به قدرت برتر جهانی ایالات متحده در دوره بعد از جنگ جهانی دوم، این کشور نقش والایی را در نظام برتون‌وودزی بدست آورد و دلار آمریکا نیز توانست خود را به عنوان ارز جهانی خود را به جهانیان معرفی نماید و حاکمیت جهانی آن تا زمان فعلی ادامه داشته است.

پایان جنگ سرد و اضمحلال شوروی سابق به‌عنوان یکی از دو قطب جهانی بیانگر تلاش بازیگر برتر آن یعنی آمریکا برای تقویت و تثبیت قدرت فزاینده خود بود. این در حالیست که طی دهه‌های بعد از پایان جنگ جهانی دوم، برخی از مناطق و کشورهای جهان شاهد تقویت قابل توجه و چشمگیر قدرت خود بویژه در ابعاد اقتصادی آن بودند. اتحادیه اروپا شکل واقعی به خود گرفت و ارز واحد خود یعنی یورو را به جهانیان معرفی نمود. در کنار آن قدرت‌های اقتصادی نوظهوری همچون چین، به‌ویژه پس از اتخاذ سیاست درهای باز در این کشور در اواخر دهه ۱۹۷۰، نیز شکل گرفتند. با وجود این، نقش ادامه‌دار دلار به‌عنوان ارز جهانی شناخته شده، مانع از فائق آمدن بازیگران قدرتمند جدید، یعنی اقتصادهای نوظهور، بر نظام جهانی اقتصاد و نظام بین‌المللی مالی و پولی حاکم گردید. به عبارت دیگر، هرچند که ارزهایی از قبیل یورو، پوند و ین ژاپن به‌عنوان ارزهای بین‌المللی در نظر گرفته می‌شوند و در حال حاضر بحث یوآن در این زمینه مطرح

شده است، تاکنون تنها یک ارز، یعنی دلار، به عنوان ارز جهانی و کالای عمومی در سطح جهانی شناخته می‌شود. این بدان معنی است که ارزهای مختلف بین‌المللی می‌توانند بر اساس محدوده‌های جغرافیایی، ارتباطات اقتصادی و دلایل سیاسی در کنار یکدیگر همزیستی داشته باشند، ولی این دلار آمریکا است که قدرت رقابتی برتر را در سطح جهانی دارا می‌باشد. بر این اساس، می‌توان ادعا نمود که فدرال رزرو آمریکا به‌نوعی به‌عنوان بانک مرکزی جهان در نظر گرفته می‌شود و سیاست‌های اتخاذ شده توسط آن، که بیانگر راه‌حلی برای مقابله با مشکلات اقتصادی آمریکا است، به‌صورت کلی بدون توجه به نیازهای دیگر کشورها بر روی آنها تاثیرگذار می‌باشد و دیگر کشورها را مجبور به اتخاذ سیاست‌هایی با عنایت به سیاست‌های اتخاذ شده در واشنگتن می‌نماید. با وجود این، بروز مشکلات ناشی از حکمرانی دلار بر اقتصاد جهانی، از جمله بروز بحران جهانی اوایل دهه ۱۹۷۰ که منبث از پذیرش حاکمیت مطلق دلار در مدیریت بین‌المللی پول بود، بسیاری را بر آن داشت تا به دنبال یافتن راه‌کارهای جایگزینی در این زمینه باشند. ادامه نیز بروز بحران مالی شرق آسیا در سال‌های ۷-۱۹۹۶ و سپس بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ نیز در این زمینه مزید بر علت شد. بر این اساس، در اوایل دهه ۱۹۷۰ صندوق بین‌المللی پول، واحد پولی «حقوق برداشت مخصوص»^۱ را ایجاد نمود که سببی از ارزهای اقتصادهای برتر دنیا می‌باشد. شکل‌گیری واحد پولی یورو و بحث در خصوص بین‌المللی شدن دیگر ارزهای مستظهر به اقتصادهای برتر دنیا از قبیل یوان نیز از جمله اقدامات قابل ذکر در این زمینه می‌باشند.

نیمه دوم قرن بیستم و در ادامه قرن بیست و یکم با تحولات قابل توجهی همراه بوده است که مهم‌ترین آنها را می‌توان در تشدید فزاینده وابستگی در هم تنیده کشورها به یکدیگر و حرکت جهان به سمت جهانی با روند فزاینده جهانی شدن و نیز ارتقای چشمگیر قدرت برخی از کشورهایی که از آنها به‌عنوان قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور یا نوظهور یاد می‌شود. تحت بستر فوق، چین به‌عنوان سردمدار قدرت‌های مزبور، به نظام اقتصادی بین‌المللی شکل گرفته بر اساس شرایط کشورها در دوره پسا جنگ جهانی دوم اعتراض نمود و بر این اساس تلاش‌های زیادی را در راستای اصلاح نظام

^۱. Special Drawing Rights (SDR)

حاکم و نیز ایجاد سازوکارهای جدید معطوف داشت. این کشور با عنایت به قدرت اقتصادی فزاینده خود، به‌ویژه پس از بروز بحران مالی آسیا، «طرح ابتکاری چیانگ-مائی»^۱ را مطرح نمود که موجبات نگرانی و در نتیجه مخالفت نظام بین‌الملل حاکم و دولت آمریکا را، به‌عنوان مدافع اصلی آن، فراهم نمود.

شرایط بعدی جهان، به‌ویژه بروز بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، نظام حاکم را وادار به پذیرش ایفای نقش بیشتر برای چین و نیز دیگر کنشگران نظام بین‌الملل حتی در چارچوب‌های حداقلی نمود. تقویت گروه ۲۰ در کنار گروه ۷، انجام اصلاحات در سازوکارهایی از قبیل صندوق بین‌المللی پول و در نظر گرفتن نقش بیشتر برای این دسته از کشورها به‌ویژه چین، پذیرش یوآن به‌عنوان یکی از ۵ ارز برتر جهانی در داخل سبد «حقوق برداشت مخصوص» از جمله اقدامات قابل ذکر در این زمینه می‌باشند. به موازات اقدامات فوق دولت چین نیز موضوع «طرح یک جاده - یک کمربند»^۲ و در کنار آن تاسیس «بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیایی»^۳ را در کنار موضوع بین‌المللی شدن یوآن مورد پیگیری جدی قرار داد.

بین‌المللی شدن یوآن از جمله مباحث مهم مطروحه در اقتصاد بین‌الملل در قرن حاضر می‌باشد. این موضوع با پیش‌بینی‌های متعدد صورت گرفته در خصوص سبقت گرفتن اقتصاد چین از اقتصاد ایالات متحده آمریکا طی سال‌های نه چندان دور، احساس نیاز جهانی در زمینه لزوم ایفای نقش بیشتر ارزهای کشورهای دارای بنیه اقتصادی قوی در ابعاد جهانی، ورود یوآن به سبد حقوق برداشت مخصوص صندوق و نیز اراده دولت چین در این زمینه و اقدامات متعدد صورت گرفته توسط آن، مورد توجه جدی جهانی قرار گرفته است.

از جمله مباحثی که می‌تواند در زیرمجموعه مبحث بین‌المللی شدن یوآن مورد توجه قرار گیرد، وضعیت کشورهای از قبیل جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که دارای مشکلات بنیادینی با اقتصاد برتر کنونی دنیا دارند. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کنشگر دارای رویکرد تغییر وضع موجود، همواره با سایه فشار و تحریم از سوی قدرت برتر جهانی، یعنی

1. Chiang Mai Initiative

2. One Belt – One Road Initiative

3. Asian Infrastructure Investment Bank (AIIB)

آمریکا، به‌ویژه در زمینه نقل و انتقال پول مواجه بوده است. با عنایت به اینکه نقل و انتقالات اصلی جهانی از طریق سیستم سوئیفت و دلار آمریکا صورت می‌پذیرد، یافتن هر گونه سازوکار جایگزین در این زمینه می‌تواند به‌عنوان مفری برای جمهوری اسلامی ایران جهت رهایی نسبی از فشار تحریم‌های یکجانبه آمریکا در نظر گرفته شود.

چین طی سال‌های اخیر به‌عنوان شریک اول تجاری، بزرگ‌ترین خریدار نفت، منبع عمده تامین کننده اعتبارات مورد نیاز، و نیز سرمایه‌گذار خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. این بدان معنی است که چنانچه راهکاری یافت شود تا نقل و انتقالات پولی جمهوری اسلامی ایران با بزرگ‌ترین شریک اقتصادی خود، به‌دور از نظام نظارتی دولت ایالات متحده صورت پذیرد، بسیاری از مشکلات ناشی از تحریم‌های یکجانبه آمریکا مرتفع گردیده و فضای تنفسی لازم را برای آن ایجاد خواهد نمود. در این مقاله به‌دنبال بررسی این موضوع هستیم که: بین‌المللی شدن یوآن چه تاثیری بر روابط اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشور چین خواهد داشت؟ قبل از پاسخ به این سوال سیاست خارجی چین بر اساس اولویت توسعه اقتصادی، تبعیت از اصول احترام به حاکمیت کشورها و عدم مداخله دیگران در امور داخلی کشورها (مگر تحت نظر شورای امنیت سازمان ملل)، توجه به مقوله سلسله مراتب قدرت در نظام بین‌الملل، پیگیری سیاست اجماع‌سازی به جای ایجاد اتحاد، و اراده دولت چین به توسعه روابط خود با جمهوری اسلامی ایران در کنار توجه به مقوله حزم اندیشی و احتیاط در اتخاذ سیاست‌ها به‌عنوان مفروض در نظر گرفته شده است. بر این اساس، فرضیه این نوشتار بر این امر استوار گردیده که با توجه به روند فزاینده تحریم‌ها از سوی دولت ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران، بین‌المللی شدن یوآن به حذف دیگر ارزها در روابط اقتصادی فیما بین جمهوری اسلامی ایران و چین و جایگزینی کامل یوآن در مناسبات اقتصادی آنها منجر خواهد شد. روش تحقیق بکار گرفته شده در این مقاله بر اساس روش توصیفی - تحلیلی است.

پیشینه و ادبیات

بر اساس بررسی‌هایی که از نوشتارهای صورت گرفته در زمینه مقوله بین‌المللی شدن یوآن به‌عمل آمده می‌توان ادعا نمود که اصولاً اقتصاددانان امور پولی و مالی پیش‌شرط‌هایی

را برای بین‌المللی شدن یک ارز خارجی شامل یوآن در نظر می‌گیرند. بر این اساس، دیدگاه تحلیلگران مختلف در این زمینه را می‌توان در قالب سه دسته طبقه‌بندی کرد:

دسته اول از تحلیلگران بر این باورند که یوآن در فرآیند بین‌المللی شدن وارد شده است. برخی از آنها یک آینده قابل پیش‌بینی برای تحقق کامل آن در نظر می‌گیرند و برخی دیگر بدون پیش‌بینی زمانی خاص یوآن را در فرآیند بین‌المللی شدن می‌دانند. آرویند سوبرامانیان^۱ در سال ۲۰۱۱ چنین خاطر نشان نمود که «یوآن در جایگاهی قرار خواهد گرفت که طی ده سال آتی جایگزین دلار خواهد شد... به نظر می‌رسد که یوآن می‌تواند در عالم واقع تا پایان دهه جاری یا اوایل دهه آتی از دلار پیشی گیرد» (Subramanian: 109-114 and 57-100). سوباچی^۲ نیز در کتاب خود تحت عنوان «پول مردم»^۳ اظهار می‌دارد که «یوآن یکی از ارزهای کلیدی نظام بین‌المللی پولی چندارزی طی ده تا بیست سال آینده خواهد بود» (Subacchi: 181-2, 187). تائو یوآن^۴ در کتاب خود تحت عنوان «نظام جهانی مالی دو مرکزی (چشم‌انداز خیزش چین)» تنها ارز جهانی عصر کنونی را دلار در نظر می‌گیرد؛ ولی در عین حال بر این باور است که خیزش چین به‌عنوان مهم‌ترین روند جاری جهانی در اقتصاد بین‌الملل است که نظام جهانی مالی دو مرکزی به رهبری دلار و یوآن نه تنها از لحاظ تئوریک مطرح می‌باشد بلکه از امکان بالایی در دنیای واقع نیز برخوردار است (Yuan).

دسته دوم تحلیلگران بر این باورند که فرآیند توسعه کشورها به‌صورت یک خط ممتدی نبوده و مسیر زیگزاگی را طی می‌کند. این دسته از تحلیلگران بین‌المللی شدن یوآن را در سطح منطقه‌ای مدنظر قرار می‌دهند. در این زمینه می‌توان از تحلیلگرانی همچون ماسانوری هاسه گاو^۵، جاناتان کیشنر^۶ و کریستوفر مک نالی^۷ اشاره کرد. هاسه گاو سه پیش شرط شامل دیپلماسی معتدل در چین، ادامه رشد اقتصادی در چین و معضل اقتصادی جدید در ایالات متحده را برای چین حتی بدون آزادسازی کامل در این

1. Arvind Subramanian

2.- Paola Subacchi

3. The People's Money

4. Tao Yuan

5. Masanori Hasegawa

6. Jonathan Kishner

7. Christopher A. McNally

زمینه در نظر می‌گیرد. وی ضمن اذعان به تلاش دولت چین جهت بین‌المللی کردن یوآن خود، این موضوع را بنا به قابلیت تبدیل و قدرت نقدشوندگی پایین یوآن و انزجار آسیا از سلطه دلار، حداقل در دوره میان‌مدت محصور در منطقه آسیا در نظر می‌گیرد (Hasegawa). *جاناتان کیشنر* و *کریستوفر مک نالی* بر این باور هستند که حتی اگر بعضی از شرایط بین‌المللی شدن ارز محقق گردد و حتی بدون آزادسازی مالی سطح بالا در چین، یوآن می‌تواند به یک ارز حاکم در آسیا در آینده نه چندان دور تبدیل شود (Kishner:236-40) و (McNally:705-706).

دسته سوم از تحلیلگران نیز یا اصولاً باوری به تبدیل یوآن به یک ارز بین‌المللی در آینده قابل پیش‌بینی ندارند یا آن را در فرآیند زمانی طولانی‌مدت در نظر می‌گیرند. این دیدگاه با عنایت به گزارشات متعدد منتشره در رسانه‌ها در خصوص کاهش رشد اقتصادی چین تقویت شده است. حتی برخی با دیدگاه کوتاه‌بینانه‌تری، موضوع بین‌المللی شدن یوآن را اصولاً موضوعی بی‌ربط در نظر می‌گیرند. در این دسته می‌توان به تحلیلگرانی از قبیل *گابریل ویلدو*^۱ و *تام میشل*^۲ اشاره کرد (Wildau and Mitchel:62). شاید بتوان مهم‌ترین استدلال این دسته از تحلیلگران را در ضعف چین در شناسایی و انتقال یوآن و نیز موضوع «منع ارزش»^۳ در نظر گرفت.

تعریف مفاهیم

بین‌المللی شدن یوآن: بین‌المللی شدن هرگونه ارز خارجی شامل فرآیندی است که آن ارز بتواند نقش بین‌المللی در نظام بین‌المللی پول ایفا نماید. این بدان معنی است که دیگر کشورها از آن ارز در تجارت، نقل و انتقالات حساب جاری و حساب سرمایه استفاده نموده و علاوه بر آن بخشی از ذخایر ارزی آنها را تشکیل دهد.

حق برداشت مخصوص: حق برداشت مخصوص به‌عنوان یک پول ذخیره تکمیلی (در کنار طلا یا ارزهای خارجی) اطلاق می‌شود که در سال ۱۹۶۹ در راستای حمایت از گسترش تجارت جهانی و جریان‌ات سرمایه تحت نظام نرخ تبادل ثابت برتون‌وودز توسط

1. Gabriel Wildou

2. Tom Mitchel

3. store of value

صندوق بین‌المللی پول ابداع گردید. به عبارت بهتر، حق برداشت مخصوص به‌عنوان واحد پولی صندوق بین‌المللی پول در نظر گرفته می‌شود ولی پول نیست و شبیه خط اعتباری است؛ چرا که به راحتی قابل تبدیل به پول‌های ذخیره شده قابل استفاده، از طریق مبادله داوطلبانه بین اعضای صندوق می‌باشد و هر کشوری می‌تواند به‌صورت داوطلبانه به خرید یا فروش آن با کشورهای دیگر بپردازد. محاسبه ارزش حق برداشت مخصوص از طریق سبد پولی چند ارز برتر جهانی صورت می‌گیرد.

بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ و تأثیر آن بر روند بین‌المللی شدن یوآن

ریشه بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ را می‌توان در ابعاد مختلف داخلی آمریکا و نیز نظام بین‌الملل مورد بررسی قرار داد. از بعد داخلی می‌توان به کاهش عمده در نرخ‌های بهره در ایالات متحده در راستای جلوگیری از اثرات منفی حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و در نتیجه افزایش درخواست وام از بانک‌ها توسط بنگاه‌های اقتصادی و خانوارها و بورس‌بازی مسکن طی سال‌های بعد از آن و در نتیجه ایجاد حباب و سپس ترکیدن حباب مزبور اشاره نمود. موضوعات بین‌المللی و شرایط جهانی حاکم نیز در کنار عوامل داخلی در بروز این بحران نقش عمده‌ای داشته‌اند. یکی از موضوعاتی که در بخش ریشه‌های بین‌المللی بروز بحران می‌توان مورد ارزیابی قرار داد، به موضوع رابطه چین و ایالات متحده باز می‌گردد. جهت روشن شدن موضوع باید قبل از پرداختن به رابطه چین و آمریکا، شرایط حاکم بر اقتصاد جهانی در دوره قبل از وقوع بحران مزبور را بررسی کنیم.

پس از جنگ جهانی دوم، اقتصاد آمریکا همانند یک لوکوموتیو اقتصادهای دیگری همانند اقتصادهای اروپا، ژاپن و کره را به‌دنبال خود کشانده و موجبات رشد آنها را فراهم آورد. در این میان چین که پس از اعمال سیاست درهای باز خود بتدریج به کارخانه تولید دنیا تبدیل شده بود و بازار داخلی آن کشش مصرف تولیدات آن را نداشت، مدل توسعه اقتصادی خود را بر اقتصاد صادرات محور متمرکز نمود که در این میان بازار ایالات متحده نقش عمده‌ای را در این زمینه بر عهده گرفت. این موضوع منجر به ایجاد ذخایر ارزی قابل توجه از یک طرف و خرید اوراق قرضه آمریکا توسط دولت چین از طرف دیگر گردیده است.

چنانچه خواسته باشیم ریشه بروز بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ را از نقطه نظر عدم توازن های اقتصادی جهانی مورد بررسی قرار دهیم می‌توانیم در یک دسته‌بندی کلی، شرایط اقتصادهای جهانی قبل از بروز بحران مزبور را در قالب سه بخش اقتصادی مجزا به قرار ذیل تقسیم‌بندی نماییم: ۱- /اقتصادهای در حال ظهور که توسط چین نمایندگی می‌شدند و در فرآیند جهانی شدن با قدرت تولید با هزینه کم خود درگیر بودند. این اقتصادها به‌عنوان کارخانه‌های تولید دنیا، مازاد تجاری عظیمی را بدست آوردند و توانستند منافع حاصل از جهانی‌شدن را اکتساب نمایند. از طرف دیگر، آنها توانستند از طریق هزینه‌های پایین خود، سطح قیمت جهانی را کاهش داده و سطوح کلی مصرف را افزایش دهند؛ ۲- کشورهای توسعه یافته که توسط ایالات متحده آمریکا نمایندگی می‌شدند و بر روی مزیت‌های خود در ارائه خدمات مالی و بهره‌گیری از ابتکارات مالی گوناگون خود توانستند هزینه‌های خود را در سطح پائینی نگه دارند و در نتیجه به تسهیل رونق کلی اقتصاد جهانی پرداخته و از منافع جهانی‌شدن بهرمنند گردند. از سوی دیگر، ایالات متحده توانست در این بستر به گسترش هر چه بیشتر اقتصاد مصرفی بر پایه بدهی خود بپردازد که در نهایت منجر به تعمیق درجه هزینه کسری گردید؛ ۳- صادرکنندگان منابع انرژی، که مهم‌ترین آنها کشورهای عضو اوپک هستند، به‌واسطه صنعتی‌شدن اقتصادهای در حال ظهوری از قبیل چین توانستند صادرات با حجم‌های بزرگ‌تر و در عین حال افزایش قیمت منابع انرژی خود بپردازند. آنها نه تنها از منابع خود جهت تسهیل جهانی‌شدن بهره بردند، بلکه از منافع جهانی‌شدن نیز منتفع گردیدند و ذخایر ارزی عظیمی را انباشت نمودند (Cao:40). یکی از آثار و نتایج بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، در کاهش قابل توجه اعتماد نظام بین‌المللی پول به دلار از یک طرف و جلب نگاه‌ها به‌سمت یوان چین از طرف دیگر هویدا گردید. به عبارت دیگر، بحران مزبور هیمنه آمریکا را به چالش کشاند و لزوم انجام اصلاحات در نظام مدیریت بین‌المللی پول را نمایان ساخت. بر این اساس، گروه ۲۰ که از سال ۱۹۹۹ در سطح وزرا شکل گرفته بود، به سمت راس مدیریت جهانی رهنمون گردید که این امر به معنای ایفای نقش بیشتر اقتصادهای نوظهور در مدیریت جهانی اقتصاد و بالتبع مدیریت بین‌المللی پول بود.

در کنار تحولات مزبور، منطقه‌گرایی، به‌ویژه در زمینه نهادهای تنظیم‌کننده اقتصاد جهانی، نیز در نظام بین‌الملل تقویت گردید. اجرایی شدن طرح ابتکاری چیانگ مائی جهت مدیریت کمک‌های ۱۲۰ میلیارد دلاری برای کمک فوری به کشورهای در مواجهه با مشکلات کوتاه‌مدت تراز پرداخت‌ها، ایجاد جامعه پولی و اقتصادی مرکز آفریقا، اتحادیه پولی کارائیب شرقی، و اتحادیه اقتصادی و پولی غرب آفریقا نیز از دیگر اقدامات صورت گرفته در این مقطع بودند. همچنین، اقداماتی در زمینه تدبیر سازوکارهای قانونی نهادینه شده، تصمیم‌گیر و مالی در راستای ایجاد شبکه‌های ایمنی به‌ویژه در منطقه یورو به انجام رسید که دربرگیرنده شبکه‌ای از بیمه کشوری و ابزارهای وام‌دهی از نهادهای چندجانبه‌ای از قبیل بانک جهانی و از طریق ترتیبات تامین اعتبار منطقه‌ای بود (Chojna-Duch: 4-5).

دولت آمریکا در مقابل از رابطه خود با چین تحت عنوان وضعیت عدم توازن در دنیا یاد کرد و حتی بعضاً آمریکائی‌ها ادعا می‌کنند که برعکس سال‌های هژمونی آمریکا در اقتصاد که به چاپ پول (دلار) جهت ایجاد رشد می‌پرداختند، در حال حاضر چینی‌ها باعث خروج پول از گردش طبیعی خود شده‌اند و نتیجه آن را عدم رونق و ایجاد رکود در دنیا در نظر می‌گیرند.^۲

با وجود این و برغم اظهارات مقامات آمریکایی علیه چین، بحران مالی جهانی باعث آشکارتر شدن بیشتر اهمیت روزافزون چین در معادلات اقتصادی جهانی گردید و نگاه جهانی را به چین به‌عنوان یک جایگزین احتمالی برای اقتصاد آمریکا معطوف داشت. در زمینه‌های پولی نیز این بحران بیانگر حادثه‌تر شدن نیاز به انجام اصلاح نظام بین‌المللی پول متمرکز بر دلار آمریکا از طریق بین‌المللی شدن ارزش‌های مستطهر به اقتصادهای نوظهوری همچون یوآن بود. بر این اساس، دولت چین نیز با علم به شرایط پس از بحران مزبور موضع فعالانه‌تری در زمینه بین‌المللی کردن یوآن خود گرفت.

مهم‌ترین نقاط عطف در زمینه بین‌المللی شدن یوآن چین بواسطه پنج موضوع ذیل می‌باشد: ۱- سیاست درهای باز اقتصادی از زمان روی کار آمدن دنگ شیاوپینگ^۱ در سال ۱۹۷۸؛ ۲- بحران اقتصادی آسیا ۷-۱۹۹۶؛ ۳- عضویت چین در سازمان جهانی تجارت در سال ۲۰۰۱؛ ۴- بحران مالی جهانی ۸-۲۰۰۷؛ و ۵- پذیرش یوآن در سبد

^۱ - Deng Xiaoping

پنج گانه حقوق برداشت مخصوص (SDR) صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۵. در واقع، این پدیده را نمی‌توان به‌عنوان عمل کاملاً ارادی دولت چین در نظر گرفت بلکه شرایط جهانی به نحوی رقم خورده است که اقتضا نموده تا ارزش اقتصاد قدرتمندی همانند چین در فرآیند بین‌المللی شدن قرار گیرد. این موضوع از لحاظ سیاست‌های داخلی دولت چین نیز از اهمیت برخوردار است. اصولاً چینی‌ها بر اساس فرهنگ کاری خود همواره طرح‌ها و پروژه‌های کلان خود را در ابتدا به‌صورت پایلوت در برخی مناطق با ظرفیت بالای اقتصادی از قبیل شانگهای، گوانجو و یا هنگ‌کنگ به اجرا درمی‌آورند و پس از رفع ایرادات طرح‌ها کم‌کم آن را به دیگر مناطق و یا کل چین تسری می‌دهند. بر این اساس، جهت طرح بین‌المللی کردن یوآن نیز در ابتدا چند منطقه را به‌عنوان پایلوت در نظر گرفتند. از جمله اقدامات صورت گرفته در این زمینه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- در سال ۱۹۹۶، یوآن اجازه یافت تا به‌صورت کامل با ارزهای خارجی تبدیل شود، اما این اجازه محدود به حوزه تجارت بود و سرمایه‌گذاری و فاینانس در شمول آن قرار نگرفتند. در سپتامبر ۲۰۱۳، چین منطقه آزاد تجاری شانگهای را به‌صورت پایلوت تاسیس نمود. به عبارتی، قدرت تبدیل حساب سرمایه یوآنی، بازاری شدن نرخ بهره و استفاده خارجی از یوآن بصورت پایلوت در این منطقه آغاز گردید. در اواخر سال ۲۰۱۴، شهرداری تیانجین، استان فوجیان و استان گواندونگ به‌عنوان گروه دوم مناطق آزاد تجاری به تصویب رسیدند. در سال ۲۰۱۶، هفت منطقه آزاد تجاری در لیائونینگ، ججیانگ، خنان، سیچوان، شانسی، و چونگ‌چینگ ایجاد شدند. تمامی این مناطق آزاد دارای سیاست‌های یکسانی شامل سیاست‌ها و اقدامات در مورد قدرت تبدیل حساب سرمایه یوآنی، بازاری شدن نرخ بهره و استفاده خارجی از یوآن بودند. علاوه بر این، در سال ۲۰۱۴، معرفی موفقیت‌آمیز سازوکار به هم پیوسته تجارت سهام بین شانگهای و هنگ‌کنگ^۱، صدور اوراق قرضه یوآنی در این سرزمین را توسط موسسات خارجی تسهیل نمود. این موضوع همچنین مدیریت تبادل خارجی حساب سرمایه را ساده نمود و بتدریج می‌تواند قدرت تبدیل حساب سرمایه یوآنی را مورد شناسایی قرار دهد. در سال ۲۰۱۵،

^۱. Shahbghai-Hong Kong Stock Connect

سرزمین اصلی چین شناسایی متقابل وجوه را با هنگ‌کنگ حاصل نمود. بازار اوراق قرضه بین بانکی داخلی و بازار تبادل بین بانکی خارجی نیز به صورت کامل برای موسسات خارجی باز شد. در خصوص مدیریت تبادل خارجی حساب سرمایه نیز ساده‌سازی‌های بیشتری بعمل آمد. (Yuan:51-52)

- از سپتامبر ۲۰۱۳ نیز به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه داده شده است تا سرمایه‌گذاری‌های خود در موسسات مالی در چین را با یوآن به انجام برسانند.
- حرکت سوم دولت در این زمینه شامل گسترش مسیرهایی می‌شد که به سمت استفاده از یوآن در سرمایه‌گذاری اوراق بهادار خارجی معطوف می‌شد. بر این اساس از آگوست ۲۰۱۰ بازار اوراق قرضه بین بانکی به تدریج به روی بانک‌های مرکزی و دیگر موسسات مالی خارجی گشوده شد.
- در دسامبر ۲۰۱۱، «برنامه سرمایه‌گذاران نهادهای خارجی مورد تایید در زمینه یوآن»^۱ آغاز شد و در نوامبر ۲۰۱۴ «برنامه سرمایه‌گذاران نهادهای داخلی مورد تایید در زمینه یوآن»^۲ معرفی شد.
- بانک مرکزی چین در اکتبر ۲۰۱۵ نظام پرداخت بین بانکی خارجی یوآنی^۳ را به عنوان یک ساختار بازار مالی در راستای تسهیل تسویه تجارت و سرمایه‌گذاری از طریق یوآن را معرفی نمود.
- در بعد دوجانبه دولت چین از سال ۲۰۰۹ جهت عملیاتی نمودن بین‌المللی شدن یوآن خود، اقدام به انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه سوآپ ارزی با دیگر کشورها و مناطق دنیا نمود.
- تا ژانویه ۲۰۱۸، بانک مرکزی چین مجوز تبادلات مستقیم بین یوآن و ۲۱ ارز دیگر شامل یورو، ین، پوند، دلار استرالیا، دلار نیوزیلند، دلار سنگاپور، رینگیت مالزی، و روبل روسیه را صادر نموده بود. علاوه بر آن، برخی از بانک‌های مرکزی و نهادهای پولی، از یوآن به عنوان بخشی از ذخایر ارزی بین‌المللی خود استفاده نموده و در

^۱. Renminbi Qualified Foreign Institutional Investors program (RQFIIP)

^۲. Renminbi Qualified Domestic Institutional Investor program (RQDIIP)

^۳. Cross-border Interbank Payment System (CIPS)

نهایت یوان در اول اکتبر ۲۰۱۶ وارد سبد حقوق برداشت مخصوص صندوق بین‌المللی پول شد. (Chi:874).

- برغم مخالفت‌های آمریکا و تصمیم صندوق مبنی بر وارد کردن یوان به سبد حقوق برداشت مخصوص خود، در سال ۲۰۱۵ بسیاری از کشورها به بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیایی پیوستند و این بانک در ژانویه ۲۰۱۶ شروع به کار کرد.
- علاوه بر آن، دولت چین از سال ۲۰۱۳ طرح یک جاده - یک کمر بند را مطرح و بر آن اساس شروع به سرمایه‌گذاری در کشورهای مسیر این طرح به‌ویژه پاکستان نمود. همچنین، در قالب طرح مزبور صندوق جاده ابریشم را در دسامبر ۲۰۱۴ معرفی نمود.
- در اکتبر ۲۰۱۵ نیز در راستای تسهیل تسویه نقل و انتقالات «نظام پرداخت بین بانکی خارجی»^۱ را ایجاد کرد.
- کلیه اقدامات مزبور منجر به آن گردید که جهانیان تصور نمایند که یوان چین به یک ارز بین‌المللی تبدیل شده است.

جایگاه یوان در نظام اقتصاد جهانی و ملزومات بین‌المللی شدن آن

جایگاه یوان را در ابعاد مختلف به قرار ذیل در اقتصاد جهانی می‌توان مورد بررسی قرار داد:

- ۱- سهم یوان در پرداخت‌های جهانی: طبق اطلاعات منتشره توسط سوئیفت، در ژانویه ۲۰۱۳، یوان سیزدهمین ارز جهانی در زمینه پرداخت‌ها (با سهم ۰٫۶۳ درصد از کل پرداخت‌های جهانی) بود. این در حالیست که با توجه به ترویج بین‌المللی کردن یوان، رتبه آن در حال بهتر شدن می‌باشد و در نوامبر ۲۰۱۶ به رتبه پنجم (با سهم ۲ درصد از کل پرداخت‌های جهانی) در این زمینه ارتقاء پیدا کرد. (Yuan:55).
- ۲- سهم یوان در تجارت: پرداخت‌های تجاری خارجی به یوان طی سال‌های اخیر شاهد جهش قابل توجهی بوده است و از ۲ میلیارد و ۵۶۰ میلیون یوان در سال ۲۰۰۹ به ۳۵۰ میلیارد و ۱۰۰ میلیون یوان در سال ۲۰۱۰ و ۵۲۲۷ میلیارد یوان در سال

^۱. Cross- Border Interbank Payment System

- ۲۰۱۶ ارتقاء یافت (Yuan: 57). طی سه تا پنج سال آتی، پیش‌بینی می‌شود که ۵۰ درصد از کل تجارت بین چین و کشورهای در حال ظهور از طریق یوآن تسویه حساب شود، چیزیکه در حال حاضر کمتر از ۳ درصد است (Cao: 59).
- ۳- سهم یوآن در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کمک‌های رسمی توسعه‌ای: همچنین رقم پرداختی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کمک‌های رسمی توسعه‌ای به یوآن در سال ۲۰۱۰ معادل ۲۸,۰۴ میلیارد یوآن بود که این رقم در سال ۲۰۱۶ به رقم ۲,۴۶ تریلیون یوآن ارتقاء یافت (Yuan: 58).
- ۴- سهم یوآن در اوراق قرضه بین‌المللی: بر اساس «گزارش بین‌المللی شدن یوآن در سال ۲۰۱۶» که توسط بانک مرکزی چین منتشر گردیده، تا پایان سال ۲۰۱۴، معادل ۵۳۵,۱۱۸ میلیارد یوآن اوراق قرضه یوآنی صادر شده است. همچنین بر اساس آمار بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی، تا پایان سال ۲۰۱۵، با رشد سالانه ۱۲,۰۴ درصدی اوراق قرضه یوآنی به رقم ۵۹۹,۶۵ میلیارد یوآن رسید (Yuan: 58-59).
- ۵- سهم یوآن در دارائی‌های مالی یوآنی توسط غیرمقیمین: رقم آن از ۲۸۷۹,۷ میلیارد یوآن در دسامبر ۲۰۱۳ به ۳۰۳۳,۷ میلیارد یوآن تا دسامبر ۲۰۱۶ رسید (Yuan: 60).
- ۶- سهم یوآن در ذخایر بین‌المللی: از دهه ۲۰۰۰، یوآن به‌عنوان ارز تسویه حساب در تجارت خارجی با کشورهای لائوس، مغولستان، میانمار، نپال، کره شمالی و ویتنام مورد پذیرش واقع شده است. گفته می‌شود که ۶۰ درصد از گردش پول نقد در مغولستان به یوآن بوده و به‌عنوان ارز حاکم (در کنار دلار) در کره شمالی می‌باشد. طبق گفته راندال هنینگ^۱، یوآن به‌عنوان یک مرجع برای سیاست‌های نرخ تبادل مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند اهمیت بیشتری نسبت به دلار یافته است. در اوت ۲۰۱۵ یوآن به‌عنوان یک ارز برای تسویه بین‌المللی از ین پیشی گرفت و به مقام چهارم در رتبه‌بندی جهانی دست پیدا کرد. در نوامبر ۲۰۱۵^۳، صندوق بین‌المللی پول به صورت رسمی تصمیم گرفت که یوآن را در داخل سبد حقوق برداشت مخصوص خود با وزن ۱۰,۹۲ درصد مورد پذیرش قرار دهد که بالاتر از ین

^۱. C. Randall Henning

(۸,۳۳ درصد) و پوند (۸,۰۹ درصد) بود.^۴ چین همچنین به بزرگ‌ترین تاجر کالا در سال ۲۰۱۳، و بزرگ‌ترین اقتصاد بر حسب تولید ناخالص داخلی - برابری قدرت خرید در سال ۲۰۱۴ تبدیل شد که در هر دو مورد از ایالات متحده پیشی گرفت (Hasegawa: 538-9). همچنین تعداد کشورها یا مناطقی که گزارش داده‌اند از یوان به‌عنوان دارائی استفاده می‌کنند از ۲۷ کشور (۵۷٪ از کل) در سال ۲۰۱۳ به ۳۸ کشور (۹۵٪ از کل) در سال ۲۰۱۴ ارتقاء یافت (Yuan:63). این در حالیست که بر اساس آمار سوئیفت، در پایان ژوئن ۲۰۱۷، پنجاه و شش بانک مرکزی و سازمان پولی خارجی دارائی‌های یوانی داشته و از آن به‌عنوان ارز ذخیره استفاده کرده‌اند (www.swift.com). بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول که در ژانویه ۲۰۱۸ منتشر گردید، سهم یوان در ذخایر ارزی جهانی حدود ۲ درصد برآورد شده است (www.imf.org).

۷- سوآپ‌های ارزی: بانک مرکزی چین از سال ۲۰۰۹ شروع به امضای قراردادهای سوآپ ارزی با دیگر کشورها نمود. (هدف اصلی از امضای قراردادهای سوآپ ارزی حمایت از تجارت و سرمایه‌گذاری و تقویت همکاری مالی بین دو کشور می‌باشد. این موافقتنامه‌ها مجوز تبادل ارزهای داخلی بین دو کشور را تا سقف‌های مشخصی تعیین می‌کنند). قراردادهای امضاء شده تا دسامبر ۲۰۱۶ شامل ۳۷ کشور و منطقه با چین می‌شد و رقم کل آن به ۳۳۴۳,۷ میلیارد یوان می‌رسید (Yuan:64).

۸- بانک نقدکننده چک‌ها: در سال ۲۰۱۱، اولین بانک نقدکننده چک‌ها در هنگ‌کنگ احداث شد. تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۶، بانک‌های چینی، بانک‌های نقدکننده چک‌ها را برای کسب و کارهای یوانی در بیش از ۲۰ کشور و منطقه در ۵ قاره احداث کرده بودند (Yuan:69).

جهت بین‌المللی شدن یک ارز عموماً اقتصاددانان بر وجود شرایط ذیل تاکید دارند:

۱- اندازه اقتصادی: کشور مربوطه می‌بایستی دارای جریان‌ات تجاری و سرمایه‌گذاری انبوهی باشد، و اقتصاد آن با اقتصاد جهانی درهم تنیده شده باشد. بدون یک شبکه نقل و انتقال گسترده، ارز به‌صورت گسترده استفاده نخواهد شد؛

^۱. Clearing bank

۲- اعتماد به ارزش آینده: نرخ تورم ارز بایستی به‌اندازه کافی پایین باشد تا بتواند از نگرانی دولت‌های استفاده‌کننده از آن در خصوص ارزش آینده آن جلوگیری به‌عمل آورد؛

۳- قدرت نقدشوندگی: ارز باید قابلیت تبدیل را در داخل و خارج از کشور چاپ‌کننده آن داشته باشد. به‌عبارت دیگر دولت‌های استفاده‌کننده از آن باید این اطمینان را داشته باشند که نقل و انتقالاتشان سخت و هزینه‌بر نخواهد بود.

۴- منبع ارزش: وجود بازار اوراق قرضه به آن ارز مقوله‌ای است که بر اساس آن سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند دسترسی آزاد به آن ارز را داشته باشند. علاوه بر آن، بازار خرید و فروش سلف^۱ توسعه‌یافته بر اساس آن ارز، جزو ملزوماتی در نظر گرفته می‌شود که از طریق آن بتوان مخاطرات تبادل را کاهش داد.

یوآن در زمینه «قدرت نقدشوندگی» و «منبع ارزش» دارای ضعف می‌باشد؛ چرا که چین از یک طرف به‌سختی حساب سرمایه خود را کنترل می‌کند و از طرف دیگر بازار اوراق قرضه توسعه‌نیافته‌ای دارد. بر این اساس، بین‌المللی شدن یوآن مستلزم آزادسازی مالی کامل (به‌ویژه در زمینه آزادسازی حساب سرمایه) بوده و دولت چین باید این اجازه را به یوآن بدهد که به‌صورت آزادانه به داخل و خارج از چین جریان داشته باشد. علاوه بر این، دولت چین باید یک بازار مالی عمیق و دارای قدرت نقدشوندگی راه‌اندازی نماید (Hasegawa:540). دولت چین در تلاش است تا موضوع جریان‌ات سرمایه‌ای را از طریق آزادسازی نقل و انتقالات حساب سرمایه برطرف نماید. در عین حال، تلاش دارد تا از بدتر شدن کارآمدی و استقلال سیاست پولی خود جلوگیری به‌عمل آورد که از طریق حذف کنترل‌ها بر روی جریان‌ات سرمایه‌ای به‌وجود خواهد آمد، دولت چین همچنین انتقال یوآن به نظام نرخ تبادل شناور و آزادسازی نرخ‌های بهره را تشویق می‌نماید. البته به احتمال زیاد تکمیل این «اصلاحات سه‌گانه» زمان‌بر خواهد بود. (Chi: 872).

دولت چین جهت بین‌المللی کردن یوآن باید به موضوعات ذیل توجه ویژه داشته باشد: ۱- به توسعه بیشتر بازارهای مالی، آزادسازی نقل و انتقالات حساب سرمایه، و تضمین دسترسی برابر به این بازارها برای مقیمین و غیرمقیمین خود بپردازد؛ ۲- به

¹. Futures market

اعتمادسازی در زمینه یوان پردازد؛ ۳- به ادامه روند کسب سهم بزرگ از اقتصاد جهانی (هم بر اساس تولید ناخالص ملی و هم واردات - صادرات) پردازد؛ ۴- موانع عمده موجود در زمینه کنترل‌های شدید نقل و انتقالات حساب سرمایه را برطرف نماید.

ابعاد بین‌المللی شدن یوان و تاثیرات آن بر قدرت آمریکا

ابعاد بین‌المللی شدن یوان از دو بعد منطقه‌ای و جهانی قابل بررسی است: ۱- از نظر منطقه‌ای، مراحل اولیه بین‌المللی کردن یوان از طریق اقتصادهای در حال صنعتی شدن و کشورهای عضو آسه آن هدایت خواهد شد که اقتصادهای آنها در حال همگرایی فزاینده‌ای با چین هستند. علاوه بر آن کشورهای در حوزه ابتکار جاده - کمربند چین نیز در این زمینه موثر هستند. انطباق و اقتباس سیاست‌های نرخ تبادل توسط این کشورها که به دنبال تثبیت ارزش‌های خود در مقابل یوان هستند، به‌عنوان یک پیش‌شرط برای شکل‌گیری حوزه یوانی است که ارز ملی چین به‌صورت گسترده‌ای در آنجا مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ۲- از نقطه نظر جهانی، چنانچه حوزه یا منطقه یوانی با مرکزیت چین به منصف ظهور برسد، نظام بین‌المللی پول به سمت نظام سه‌قطبی متشکل از یوان، دلار و یورو حرکت خواهد کرد. رقابت میان این سه ارز به ثبات نظام کمک خواهد نمود (Chi:872). فارغ از اینکه یوان به یک ارز جهانی و یا منطقه‌ای تبدیل شود، دارای تاثیرات منفی بر قدرت و نفوذ آمریکا خواهد داشت که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- به چالش کشیدن برتری قدرت و نفوذ آمریکا به دلیل کاهش قدرت دلار در کلیه معادلات اقتصادی و سیاسی جهان؛
- ۲- کاهش قدرت آمریکا در زمینه انتشار دلارهای بی‌پشتوانه به دلیل تاثیرات تورمی که می‌تواند بر آن کشور داشته باشد؛
- ۳- تضعیف قدرت آمریکا در زمینه تحریم کشورهای دارای سیاست‌های مخالف با دولت آن کشور و در نتیجه قدرتمندتر شدن قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای مزبور از یک طرف و اطاعت‌پذیری کمتر دیگر کشورها از تحریم‌های یکجانبه آن از طرف دیگر؛
- ۴- از دست دادن بخش عمده‌ای از تجارت خود با کشورهای منطقه آسیا.

بین‌المللی شدن یوآن و ایده یک جاده - یک کمربند: ایده یک جاده - یک کمربند برگرفته از جاده ابریشم قدیم، پس از روی کار آمدن شی جین پینگ به عنوان رئیس‌جمهور و دبیر کل جدید حزب کمونیست چین از سال ۲۰۱۳ به عنوان یک ایده برد-برد بین چین و دیگر کشورها مورد پیگیری جدی دولت چین بوده است. این ایده که دربرگیرنده عمدتاً کشورهای در حال توسعه دارای استعداد صنعتی شدن می‌باشد، در واقع به عنوان ابزار نرم‌افزاری و در عین حال سخت‌افزاری چین جهت گسترش نفوذ خود در کشورهای واقع شده در این ایده و به عبارتی در کل جهان در نظر گرفته می‌شود. چین به واسطه دارا بودن تجارب گران‌قیمتی در زمینه‌های ساخت جاده، پل، قطارهای سریع‌السیر، بندر، خطوط لوله، برق، شبکه و دیگر زیرساخت‌ها، قدرت رقابت قابل توجهی در سطح جهان به‌دست آورده است. در خصوص راه‌آهن، چین و اروپا نزدیک به ۷۰۰۰ خط را به روی یکدیگر گشوده‌اند و از این طریق ۵۷ مسیر و ۳۵ شهر داخلی راه اندازی شده و به ۳۴ شهر اروپایی رسیده است. از لحاظ خطوط هوایی، (تا ماه می ۲۰۱۷) با ۴۳ کشور در داخل جاده - کمربند خطوط هوایی مستقیم برقرار شده و خطوط هوایی خارجی نیز ۱۸ مسیر ملی جدید را در امتداد آن افتتاح کرده اند. در زمینه بندر و لجستیک دریایی، چین قرارداد دوجانبه حمل و نقل رودخانه‌ای را با ۳۶ کشور در مسیر جاده - کمربند، اتحادیه اروپا و آسه آن به امضاء رسانده است (Tao:426). تمامی آمار فوق بیانگر آن است که سرمایه‌گذاری‌های چین در زیرساخت‌ها در سطح وسیعی بوده و سهم این سرمایه‌گذاری‌ها در بین‌المللی شدن یوان قابل توجه خواهد بود.

مزایا و فواید بین‌المللی شدن یوآن برای چین

بین‌المللی شدن یوآن نه تنها نتیجه غیرقابل اجتناب توسعه سریع اقتصاد چین است، بلکه به‌نوعی به‌عنوان نیاز به تشویق توسعه اقتصادی مستمر و درازمدت در نظر گرفته می‌شود. با تغییرات سریع اقتصاد جهانی، بین‌المللی شدن یوآن می‌تواند به تقویت قدرت اقتصادی و در عین حال تقویت جایگاه بین‌المللی چین بپردازد (Tao: 425). سیاست درهای باز در چین منجر به رشد اقتصادی قابل توجهی طی چهار دهه گذشته گردیده است. تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۶ معادل ۱۱,۱۹۹ تریلیون

دلار بود (<http://data.worldbank.org>). همچنین این کشور در این سال با ۲۰۹۸ میلیارد دلار صادرات کالا به دیگر کشورها (۱۶,۸٪ از کل) بزرگترین کشور صادر کننده کالا در جهان و با ۱۵۸۷ میلیارد دلار واردات (۱۲,۴٪ از کل) دومین کشور وارد کننده جهان بود. سهم این کشور در صادرات خدمات بازرگانی در این سال معادل ۲۰۷ میلیارد دلار (۴,۳٪ از کل) و واردات آن از خدمات کل جهانی معادل ۴۵۰ میلیارد دلار (۹,۶٪ از کل) بود. (<http://www.wto.org>). هرچند که بین‌المللی شدن یوان منجر به تضعیف قدرت ایالات متحده می‌گردد، در مقابل به افزایش قدرت چین خواهد انجامید. از جمله مزایا و فواید بین‌المللی شدن یوان برای چین را می‌توان به قرار ذیل خلاصه نمود:

- ۱- اعطای قدرت برتر در آسیا به چین و امکان نمایش قدرت کمتر از سوی رقبای منطقه‌ای چین در خصوص موضوعات منطقه‌ای آن از قبیل دریای چین جنوبی، اختلافات مرزی و ...؛
- ۲- ارتقای قدرت و نفوذ چین و در نتیجه تلاش دیگر کشورها جهت حفظ و ارتقاء روابط دوستانه خود با این کشور و در نتیجه ارتقاء هر چه بیشتر قدرت این کشور در ابعاد مختلف؛
- ۳- افت پرستیژ و اعتبار آمریکا و رویکرد تعامل‌گرایانه‌تر آن به‌ویژه در داخل کشورهای منطقه‌ای که در موضوعات امنیتی خود وابسته به حضور نیروهای نظامی آمریکایی هستند و در نتیجه کاهش قدرت منطقه‌ای آمریکا؛
- ۴- دستیابی به قدرت حذف دسترسی به نظام پرداخت یوانی برای کشورهای غیردوست چین (البته با حضور دلار و یورو این قدرت محدود خواهد بود)؛
- ۵- امکان تنظیم مقررات اقتصادی منطقه‌ای بر اساس منافع خود و قدرت اقناع دیگر کشورها جهت تمکین به آنها در راستای حفظ رشد اقتصادی، دستیابی به فناوری‌های پیشرفته، و نیز ارتقاء قدرت نظامی خود؛
- ۶- نرخ مخاطره پایین شرکت‌های تجاری و درگیر در امور واردات و صادرات در زمینه نوسانات قیمتی ارز و در نتیجه کاهش هزینه‌های نقل و انتقال؛
- ۷- امکان ممانعت از ضررهای سرمایه‌ای برای شرکت‌های چینی در صورت کاهش ارزش دلار در مبحث مربوط به دارائی‌های خارجی اینگونه شرکت‌ها؛

۸- ارتقای رقابت بین‌المللی نهادهای مالی چینی به‌ویژه مراکز مالی بین‌المللی از قبیل شانگهای و هنگ‌کنگ؛

۹- کمک به استمرار واردات کالا و خدمات حتی در زمانی که تراز پرداخت‌های بین‌المللی چین در حالت کسری قرار می‌گیرد: در این زمینه دولت چین می‌تواند از طریق چاپ بیشتر یوآن به پرداخت‌های مورد نیاز خود دست یابد (چیزی که تاکنون دولت ایالات متحده از آن بهره برده است)؛

۱۰- کاهش اتکای دولت چین به ذخایر دلاری و تقلیل آسیب‌پذیری در مقابل تحریم‌های مالی و بحران‌های مالی با منشاء آمریکا.

مهم‌ترین چالش‌های بین‌المللی شدن یوآن را می‌توان در موارد ذیل در نظر گرفت:

۱- عدم تمکین ایالات متحده آمریکا به این موضوع و تلاش دولت این کشور جهت مخالفت با ایجاد هژمون جهانی و حتی منطقه‌ای که بر اساس منافع ایالات متحده رفتار نمی‌نماید؛

۲- تلاش رقبای منطقه‌ای چین به‌ویژه کشورهای هند، استرالیا و ژاپن جهت عدم پذیرش هژمونی منطقه‌ای چین؛

۳- جریان آزاد سرمایه به‌عنوان یک پیش‌نیاز بین‌المللی شدن هر ارزی است. لذا، شاید مهم‌ترین چالش این پدیده برای چین، موضوع جریان‌ات سرمایه‌ای کوتاه‌مدت^۱ و در نتیجه کاهش کارآمدی سیاست‌های اقتصاد کلان داخلی شامل سیاست‌های پولی دولت چین باشد؛

۴- فقدان توسعه‌یافتگی لازم در بازار مالی چین نیز به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم در این زمینه در نظر گرفته می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران و بین‌المللی شدن یوآن: در حال حاضر تمامی کشورها از دلار به‌عنوان ارزی برای تسویه حساب‌های خود از طریق واسطه‌گری بانک‌های کارگزاری در آمریکا استفاده می‌کنند. لذا چنانچه دولت آمریکا به بانک‌های داخلی خود دستور دهد تا کسب و کار خود را با دولت خاصی را متوقف نمایند، آن دولت از نقل و

^۱. hot money

انتقالات عمده دلاری در جهان محروم خواهد شد. این موضوع تحریم‌های مالی آمریکا را بسیار قدرتمند ساخته است (Hasegawa:549).

در این وضعیت چنانچه یوآن به یک ارز بین‌المللی تبدیل شود، نظام تسویه حساب یوآنی، جدای از دلار، به وجود خواهد آمد و ضمن آنکه منجر به کاهش توان ایالات متحده در اعمال تحریم‌های خود علیه دیگر دولت‌ها خواهد شد، دولت‌هایی را که دارای برخوردهایی با ایالات متحده می‌باشند را قادر خواهد ساخت تا از طریق استفاده از این نظام، از فشار تحریم‌های ایالات متحده خلاصی پیدا کنند. حتی چنانچه یوآن را به عنوان یک ارز منطقه‌ای نیز در نظر بگیریم این موضوع می‌تواند به تخریب تقاضا برای دلار در آسیا و در نتیجه به چالش کشیدن توان آمریکا جهت اعمال تحریم‌های مالی علیه دیگر کشورها بیانجامد. بر این اساس، کشورها و گروه‌هایی که با ایالات متحده آمریکا مشکل دارند، به سمت بهره‌برداری از نظام تسویه حساب یوآنی، که تحت تاثیر دلار نمی‌باشد، رهنمون خواهند شد. این موضوع همچنین پرستیژ و اعتبار ایالات متحده در منطقه آسیا را زیر سوال برده و جایگاه بالاتری به چین اعطا خواهد کرد.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهایی است که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ تاکنون تحت فشارهای تحریمی ایالات متحده از جمله تحریم‌های بانکی و پولی واقع شده است. بر این اساس و با عنایت به روابط گسترده اقتصادی این کشور با چین موضوع بین‌المللی شدن یوآن از اهمیت ویژه‌ای در راستای خلاصی از این‌گونه تحریم‌ها در نظر گرفته می‌شود. روابط اقتصادی ایران و چین از یک طرف از تقاضای انرژی در چین و از طرف دیگر همکاری اقتصادی چین با جهان غرب، به ویژه ایالات متحده آمریکا، متأثر است. بنابراین، موضوعات بین‌المللی از قبیل پرونده هسته‌ای ایران، امضای برجام در سال ۲۰۱۵ و نیز خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸، بر بالا و پایین شدن حجم روابط اقتصادی دو کشور موثر بوده است. با وجود این، چینی‌ها همواره تلاش داشته‌اند تا نقشی میانی را در این رابطه ایفا نمایند و با عنایت به منافع ملی خود، نه شرکت‌های خود را در مقابل قدرت‌های برتر جهانی قرار دهند و نه اینکه به صورت کامل در راستای منافع و سیاست‌های غرب حرکت نمایند.

با عنایت به مطالب مطروحه در بخش قبلی مقاله و نیز مقدمه فوق در این بخش بر آن خواهیم بود تا ضمن بررسی اهمیت چین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و بالعکس و چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی بین‌المللی شدن یوآن برای جمهوری اسلامی ایران، تلاش نماییم تا این موضوع را در روابط دو کشور مورد بررسی قرار دهیم.

اهمیت چین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

کشور چین در ابعاد مختلفی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت می‌باشد که مهم‌ترین آنها به قرار ذیل می‌باشند:

۱- سیاست نگاه به شرق: یکی از رویکردهای مهم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سیاست نگاه به شرق است. این رویکرد پس از گذشت یک دهه از قطع روابط دیپلماتیک ایران با ایالات متحده و نیز تشدید تحریم‌های گسترده این کشور و نیز اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران در اولویت سیاست خارجی ایران قرار گرفت. در این راستا جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد تا به منظور تامین بخشی از آرمان‌ها و اهداف اقتصادی خود با اتخاذ این رویکرد جدید، از تک قطبی شدن ساختار نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد جلوگیری کند. در این میان، چین به‌عنوان یک قدرت نوظهور در نظام بین‌الملل که ماتریس قدرتش همواره در حال اوج گرفتن است و شاخص‌های برتری قدرت خود را در ابعاد مختلف اقتصادی، نفوذ سیاسی و نظامی ارتقاء بخشیده است، مورد توجه دستگاه دیپلماسی ایران قرار گرفت تا از طریق توسعه همکاری با این کانون ثروت و قدرت بین‌المللی، بخشی از اهداف ملی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تامین شود. (صادقی و لطفی: ۸۹).

۲- فقدان تخصص تاریخی در روابط فیما بین: ایران و چین، روابط تاریخی دوستانه‌ای را با یکدیگر تجربه کرده‌اند. این دو کشور دربرگیرنده مهم‌ترین تمدن‌ها در مسیر جاده ابریشم بوده‌اند و فرهنگ دو کشور نیز از یکدیگر تاثیر و تاثیرپذیری فراوانی داشته‌اند. در حال حاضر نیز ایران در طرح یک جاده - یک کمربند چین مشارکت نسبی دارد. روابط دیپلماتیک دو کشور از سال ۱۹۷۱ (۱۳۴۹.ش.) آغاز گردیده و تاکنون موضوعات تخصصی بین دو کشور وجود نداشته است. این وضعیت موقعیت

ویژه‌ای را به چین اعطا نموده که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به‌عنوان یک شریک قابل اتکا به این کشور توجه داشته باشد.

۳- تامین اعتبارات لازم: با عنایت به ثروت هنگفتی که چین طی سال‌های بعد از آغاز سیاست درهای باز خود به‌دست آورده، این کشور به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تامین اعتبارکنندگان در کشورهای مختلف از جمله جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. طی سال‌های اخیر پروژه‌های متعدد زیرساختی در زمینه‌های راه و راه‌آهن، نفت و گاز، پتروشیمی، نیروگاه و ... در ایران توسط طرف‌های مختلف چینی تامین اعتبار شده‌اند.

۴- چین به‌عنوان یک بازیگر مهم بین‌المللی: در عرصه بین‌المللی چین به‌عنوان یکی از بازیگران مهم بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود. چین جزو ۵ عضو دارای حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل، یکی از کشورهای عضو در گروه ۲۰، بریکس، یکی از دو عضو قدرتمند پیمان شانگهای و بسیاری از سازوکارهای منطقه‌ای و بین‌المللی است. داشتن حمایت این کشور در عرصه‌های مختلف بین‌المللی دارای اهمیت بالایی برای جمهوری اسلامی ایران است.

۵- خرید نفت ایران: جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۹ تقریباً ۱۰ درصد از نیازهای سالانه چین به نفت وارداتی را تامین می‌کرد. به عبارت دیگر، در سال ۱۳۷۹ چین ۵۸ میلیون بشکه نفت به ارزش ۱,۵ میلیارد دلار از ایران خریداری کرد که این میزان در ابتدای سال ۱۳۸۰ به ۲۴۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت. روند فزاینده واردات نفت ایران توسط چین طی سال‌های بعد نیز ادامه یافت و وزیر نفت وقت ایران اندکی پس از امضای یادداشت تفاهم میدان نفتی یادآوران و نیز خرید ۲۵۰ میلیون تن گاز طبیعی مایع در سال ۱۳۸۳ اعلام نمود که ایران می‌خواهد چین، به جایگزینی ژاپن، به بزرگ‌ترین واردکننده نفت و گاز ایران تبدیل شود. پس از انعقاد این قرارداد میزان صادرات نفت ایران به چین افزایش یافت. آمارهای مربوط به تهاثر نفتی بین ایران و چین نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ میزان صادرات نفت خام ایران به چین، حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز بوده است. صادرات نفت ایران به چین در سال ۱۳۹۰ نیز پس از مدتی نوسان، دوباره افزایش یافت و به ۵۶۰ هزار بشکه در روز رسید (صادقی و لطفی: ۱۰۶-۱۰۳).

چین از ایران ادامه یافت و این کشور در سال ۲۰۱۷ به طور متوسط روزانه بیش از ۶۵۰ هزار بشکه از صادرات ۲,۱ میلیون بشکه‌ای نفت ایران را خریداری کرده است (fa.euronews.com).

۶- تامین سرمایه‌گذاری‌های لازم ایران: حجم سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی از سوی چینی‌ها در پروژه‌های متعدد زیرساختی ایران به اجرا درآمده و این کشور را به بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در این کشور تبدیل کرده است. بنا به گفته محمد خزاعی، رئیس کل وقت سازمان سرمایه‌گذاری ایران، شرکت‌های چینی از اواخر سال ۱۳۹۳ تا دی ماه ۱۳۹۶ نزدیک به ۲,۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران انجام داده‌اند، این سرمایه‌گذاری از سال ۱۳۷۵ لغایت ۱۳۹۲ به ۱۱۰ میلیون دلار می‌رسید (http://donya-e-eqtasad.com).

۷- بزرگ‌ترین شریک تجاری: چین طی سال‌های گذشته بزرگ‌ترین شریک تجاری جمهوری اسلامی ایران بوده است. جدول حجم صادرات و واردات جمهوری اسلامی ایران با چین طی سال‌های ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۶ به قرار ذیل بوده است:

روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران و چین طی سالهای ۹۶-۱۳۹۰

سال	صادرات (میلیون دلار)		واردات (میلیون دلار)	
	به چین	به کلیه کشورها	از چین	از کلیه کشورها
۱۳۹۰	۵۵۵۷	۳۳۸۰۵	۷۴۳۶	۵۷۴۸۷
۱۳۹۱	۵۵۱۳	۳۱۸۶۶	۸۱۷۵	۵۱۴۵۷
۱۳۹۲	۷۴۳۲	۳۱۲۳۹	۹۶۴۷	۴۸۱۳۸
۱۳۹۳	۹۳۸۸	۳۶۵۳۸	۱۰۸۳۷	۴۴۹۸۷
۱۳۹۴	۸۲۲۸	۳۲۶۱۶	۸۷۴۲	۳۳۷۶۹
۱۳۹۵	۸۳۷۶	۴۳۸۳۷	۱۰۶۹۶	۴۲۷۰۱
۱۳۹۶	۹۰۶۴	۴۶۷۷۳	۱۳۱۱۵	۵۱۶۱۲

tccim.ir/lmpExpstats_TarrifCustomCountry.aspx?mode=doit

مزایای بین‌المللی شدن یوان برای جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین مزیت بین‌المللی شدن یوان برای جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌هایی از تحریم‌های یکجانبه دولت ایالات متحده علیه خود در نظر گرفته می‌شود. در این زمینه موضوعات جابجایی پول، نرخ‌های تبدیل، سوئیفت دارای اهمیت بالایی می‌باشند. جمهوری اسلامی ایران از مزایای ذیل از طریق بین‌المللی شدن یوان برخوردار خواهد شد:

۱- چین شریک اول تجاری این کشور طی سال‌های اخیر بوده و با عنایت به روند رو به رشد اقتصادی این کشور از یک طرف و ادامه وضعیت تخصیصی جمهوری اسلامی ایران با غرب از طرف دیگر، پیش‌بینی می‌شود که روند روابط تجاری دو کشور رو به توسعه بوده و چین همچنان به‌عنوان شریک اول تجاری ایران باقی بماند. لذا این کشور می‌تواند بدون دغدغه به تجارت خود با چین بر اساس ارز یوان ادامه دهد؛

۲- چنانچه یوان در بازارهای بین‌المللی مورد استفاده واقع شود، ایران حتی می‌تواند بسیاری از کالاها و خدمات مورد نیاز خود را به‌واسطه یوان‌هایی که از طریق فروش نفت به‌دست آورده از دیگر بازارهای بین‌المللی تأمین نماید؛

۳- چین همچنین بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار و نیز تأمین‌کننده اعتبارات لازم برای طرح‌ها و پروژه‌های خود می‌باشد و بالتبع بین‌المللی شدن یوان می‌تواند به‌عنوان مغزی جهت‌رهایی از سلطه دلار در این زمینه و نیز هزینه‌های احتمالی در زمینه تبدیل ارز باشد؛

۴- امکان استفاده از نظام سوئیفت تبادلات مالی چین موسوم به CPIS: با عنایت به اینکه بانک مرکزی و بسیاری از بانک‌ها و موسسات مالی جمهوری اسلامی ایران تحت تحریم سوئیفت قرار گرفته‌اند، استفاده از سوئیفت تبادلات مالی چین می‌تواند به‌عنوان جایگزینی در این خصوص مورد لحاظ واقع شود.

چالش‌های پیش‌رو

الف- روابط چین با آمریکا: بنا به آمار ارائه شده از سوی وزارت بازرگانی ایالات متحده آمریکا، حجم تجارت کالا و خدمات بین چین و ایالات متحده آمریکا (معمولا در آمارهای ارائه شده توسط دولت آمریکا، آمار مربوط به هنگ‌کنگ و تایوان نیز در

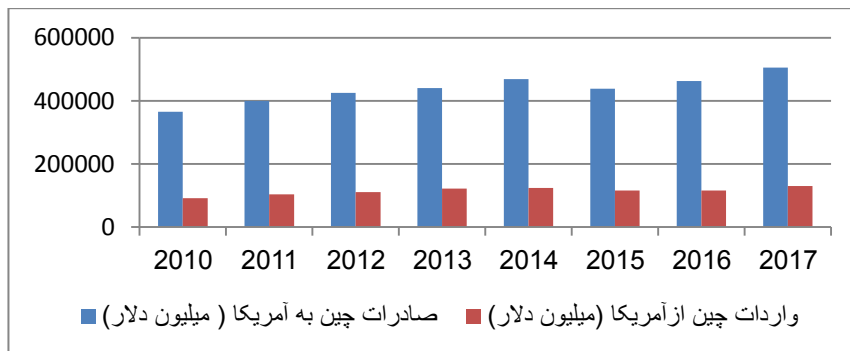
داخل آن آورده می‌شود) حدود ۷۱۰,۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ تخمین زده می‌شود. چین در حال حاضر بزرگترین شریک تجاری آمریکا در زمینه کالا به میزان ۶۳۵,۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ بود. در این سال چین ۵۰۵,۵ میلیارد دلار کالا به ایالات متحده صادر نمود و در مقابل ۱۲۹,۹ میلیارد دلار کالا از این کشور وارد نمود و تراز تجاری به میزان ۳۷۵,۶ میلیارد دلار به نفع چین بود. همچنین حجم تجارت خدمات بین دو کشور نیز در این سال به ۷۵ میلیارد دلار رسید که از آن میان رقم ۱۷,۴ میلیارد دلار صادرات چین و ۵۷,۶ میلیارد دلار واردات چین را در بر می‌گرفت. به عبارت دیگر، در بحث تجارت خدمات، چین دارای تراز منفی تجاری معادل ۴۰,۲ میلیارد دلاری در سال ۲۰۱۷ با ایالات متحده بود. چین سومین بازار صادراتی ایالات متحده و ایالات متحده بزرگ‌ترین بازار صادراتی چین در نظر گرفته می‌شود. چین بزرگترین بازار وارداتی کالای ایالات متحده نیز در نظر گرفته می‌شود (https://ustr.gov). آمار تجاری دو کشور طی سال‌های ۲۰۱۰ لغایت ۲۰۱۷ بر اساس آمار مرکز آمار دولت ایالات متحده به قرار ذیل بوده است:

روابط تجاری چین و ایالات متحده طی سالهای ۲۰۱۰-۲۰۱۷

سال	صادرات چین (میلیون دلار)	واردات چین (میلیون دلار)	تراز تجاری
۲۰۱۰	۳۶۴۹۵۲,۶	۹۱۹۱۱,۱	۲۷۳۰۴۱,۶
۲۰۱۱	۳۹۹۳۷۱,۲	۱۰۴۱۲۱,۵	۲۹۵۲۴۹,۷
۲۰۱۲	۴۲۵۶۱۹,۱	۱۱۰۵۱۶,۶	۳۱۵۱۰۲,۵
۲۰۱۳	۴۴۰۴۳۰	۱۲۱۷۴۶,۲	۳۱۸۶۸۳,۸
۲۰۱۴	۴۶۸۴۷۴,۹	۱۲۳۶۵۷,۲	۳۴۴۸۱۷,۷
۲۰۱۵	۴۳۸۲۰۱,۷	۱۱۵۸۷۳,۴	۳۶۷۳۲۸,۳
۲۰۱۶	۴۶۲۵۴۲	۱۱۵۵۴۵,۵	۳۴۶۹۹۶,۵
۲۰۱۷	۵۰۵۴۷۰	۱۲۹۸۹۳,۶	۳۷۵۵۷۶,۴

<https://www.census.gov/foreign-trade/balance/c5700.html>

نمودار واردات و صادرات بین چین و آمریکا



علاوه بر روابط تجاری، دو کشور دارای حجم بالایی از سرمایه‌گذاری می‌باشند. حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایالات متحده در چین در سال ۲۰۱۷ با ۱۰,۶٪ افزایش نسبت به سال قبل از آن به ۱۰۷,۶ میلیارد دلار رسید. عمده سرمایه‌گذاری در زمینه‌های تولید، تجارت کلی فروشی، مالی و بیمه بوده است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در آمریکا نیز در سال ۲۰۱۷ با کاهش ۲,۳ درصدی نسبت به سال ماقبل آن به ۳۹,۵ میلیارد دلار رسید که عمدتاً در زمینه‌های تولید، املاک، و موسسات پس‌اندازی صورت گرفت. همچنین فروش خدمات در چین توسط اکثر شرکت‌های در مالکیت آمریکا به ۵۵,۲ میلیارد دلار و فروش خدمات در ایالات متحده توسط اکثر شرکت‌های در مالکیت چین ۵,۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ بود (<https://ustr.gov>).

در کنار آمار و ارقام فوق، دستیابی چین به فناوری‌های پیشرفته در ایالات متحده و نیز سهام شرکت‌های چینی در بازار بورس آمریکا یا بازارهای وابسته به آمریکا موقعیت راهبردی ویژه‌ای به آمریکا در روابط چین با آن کشور اعطا نموده است. بر این اساس، چین در تنظیم روابط خود با جمهوری اسلامی ایران نگاه ویژه‌ای به روابط خود با ایالات متحده آمریکا دارد. این موضوع در مقطع کنونی بنا به چند دلیل از حساسیت بیشتری برخوردار شده است:

۱- روی کار آمدن ترامپ و تمرکز وی بر تراز تجاری منفی تجاری این کشور با چین و شروع جنگ تجاری بین طرفین که حتی به موضوعات سیاسی و حاکمیتی چین و

موضوعات منطقه‌ای از قبیل موضوع دریای چین جنوبی و یا موضوع تایوان نیز کشیده شد؛

۲- جریمه شرکت معظم ZTE و نیز محرومیت این غول مخابراتی چین از دسترسی به فناوری آمریکا در ژوئن سال ۲۰۱۸ به دلیل همکاری آن با ایران و کره شمالی که طی چند روز پس از اعلام آن منجر به سقوط سهام این شرکت و قرار گرفتن آن در آستانه ورشکستگی گردید. شرکت ZTE در مقابل پرداخت جریمه ۱,۴ میلیارد دلاری و نیز بازبینی کامل در مدیران ارشد خود در مقابل رفع ممنوعیت خرید قطعات و خدمات مورد نیاز برای مونتاژ نمودن تلفن‌های هوشمند و تجهیزات مخابراتی را پذیرفت. این موضوع موجب هراس دولت و شرکت‌های چینی در همکاری‌های آتی خود با جمهوری اسلامی ایران گردید.

۳- دستگیری معاون مالی شرکت معظم هواوی^۱ چین در کانادا بنا به درخواست مقام‌های قضائی آمریکا و به بهانه همکاری با ایران در اول دسامبر ۲۰۱۸ نیز مزید بر علت شد و هر چند که نامبرده به صورت مشروط آزاد شد ولی اصل موضوع موجبات ایجاد هراس در دولت و نیز شرکت‌های چینی در تنظیم همکاری‌های خود با جمهوری اسلامی ایران گردید.

هر چند که ارتباط تنگاتنگی بین برنامه‌های دولت آمریکا جهت مهار چین به‌عنوان مهم‌ترین قدرت چالش‌گر قدرت ایالات متحده برقرار می‌باشد ولی همکاری با جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بهانه‌های لازم را در اختیار آمریکائی‌ها جهت وارد نمودن فشار فزاینده بر چین قرار دهد. به همین خاطر چینی‌ها در کنار توجه به موضوع بین‌المللی شدن یوآن خود همواره به این موضوع توجه خواهند نمود که با عنایت به خروج آمریکا از برجام و اعمال سنگین‌ترین تحریم‌های یک‌جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران، با درایت و حزم‌اندیشی حداکثری موضوعات هزینه - فایده را در تنظیم روابط خود با جمهوری اسلامی ایران مورد لحاظ قرار دهند.

ب- اتحادیه اروپا: هر چند که اروپائی‌ها از برجام خارج نشده‌اند و بالتبع چینی‌ها نباید نگرانی جدی در خصوص همکاری‌های خود با جمهوری اسلامی ایران از سوی این

^۱. Huawei

دسته از کشورها داشته باشند، ولی نوع همکاری اروپائیان با جمهوری اسلامی ایران در دوره پس از خروج از برجام در این زمینه نقش خود را ایفا خواهد نمود. بر اساس مذاکرات صورت گرفته بین جمهوری اسلامی ایران و اروپائیان مقرر است که طرف‌های اروپائی اقدامات لازم را در زمینه اجرایی شدن کامل برجام به عمل آورند. طرف چینی نیز در این بازی خود را به‌عنوان یکی از طرف‌های برجام در نظر می‌گیرد و همواره نیم‌نگاهی به عملکرد سایر بازیگران طرف برجام به‌ویژه اتحادیه اروپا جهت تنظیم نوع و میزان همکاری‌های خود با جمهوری اسلامی ایران خواهد انداخت.

ج- قوانین و مقررات داخلی چین: در کنار مخاطرات مربوط به تحریم‌های ایالات متحده، در جریان کنگره نوزدهم حزب کمونیست چین در اکتبر ۲۰۱۷، مصوب شد که بانک‌های چین مخاطره‌سنجی لازم را داشته باشند و از مخاطرات احتمالی دوری نمایند. با عنایت به قرار داشتن جمهوری اسلامی ایران در فهرست کشورهای غیرهمکار در FATF همکاری با این کشور برای بانک‌های چینی مستلزم مخاطره خواهد بود و بر این اساس بانک‌های چینی از همکاری با اتباع ایرانی امتناع می‌ورزند.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار ابتدا به بررسی جایگاه و ملزومات بین‌المللی شدن یوان پرداخته شد. ضمن بررسی جایگاه دلار در نظام مدیریت بین‌المللی پول و رویکردهای جهانی به آن پس از پایان جنگ جهانی دوم، مقوله بین‌المللی شدن یوان در کنار پذیرش جهانی دلار به‌عنوان یک ارز جهانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این راستا، ضمن بررسی بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ و تأثیرات آن بر مقوله بین‌المللی شدن یوان، روند تاریخی و اقدامات صورت گرفته توسط دولت چین در این خصوص، جایگاه یوان در مقولات مختلف اقتصادی جهانی، ملزومات و شروط بین‌المللی شدن آن، ابعاد بین‌المللی شدن یوان، تأثیرات بین‌المللی شدن یوان بر قدرت آمریکا، نقش طرح ابتکاری یک جاده - یک کمربند در بین‌المللی شدن یوان، مزایا و فواید بین‌المللی شدن یوان برای چین و چالش‌های بین‌المللی شدن یوان مورد مذاقه قرار گرفت.

در ادامه نیز با اشاره به جایگاه جمهوری اسلامی ایران و مسائل و مشکلات مبتلا به آن در بخش نقل و انتقال خارجی پول، فرضیه مقاله با عنایت به مطالبی که در بخش قبلی تبیین گردیده بود مورد آزمون واقع شد. بر این اساس، به تجزیه و تحلیل موضوعات مختلفی از قبیل اهمیت چین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و بالعکس، مزایا و چالش‌های بین‌المللی شدن یوآن برای جمهوری اسلامی ایران پرداخته شد. برغم چالش‌ها و موانع موجود، بین‌المللی شدن یوآن، به‌عنوان فرآیندی در حال جریان است و چنین پیش‌بینی نمود که نه تنها در بعد منطقه‌ای بلکه در بعد فرامنطقه‌ای و جهانی نیز به مسیر خود ادامه خواهد داد. البته با توجه به نظام سیاسی حاکم بر این کشور و نیز حزم‌اندیشی و احتیاط حداکثری که در نظام تصمیم‌گیری چین وجود دارد، دولت این کشور تلاش خواهد کرد تا این فرآیند را با کم‌ترین چالش و آسیب به پیش‌برد تا از یک طرف موجبات درگیری خود با دیگران را فراهم ننماید و از طرف دیگر در موضوعات اقتصادی داخلی خود خللی وارد نشود. اصولاً نظام‌های سیاسی اقتدارگرای بوروکراتیک از قبیل چین به مقوله رشد اقتصادی حساسیت فوق‌العاده‌ای داشته و وارد شدن هر گونه شوک در این زمینه را بر نمی‌تابند. لذا دولت این کشور تلاش خواهد کرد تا از یک طرف با تعامل با دنیای خارج و پیگیری طرح‌هایی از قبیل یک جاده - یک کمربند که می‌تواند دیگران را در بازی بین‌المللی چین جذب نماید، و از طرف دیگر تعامل با قدرت‌های برتر دنیا، به مدیریت چالش‌های فرارو با کمترین هزینه بپردازد. علاوه بر این، دولت چین تلاش خواهد نمود تا موضوعات داخلی اقتصادی خود را به‌صورت تدریجی با موضوع بین‌المللی شدن یوآن منطبق نماید.

گرچه فقدان آزادسازی کامل یوآن به‌عنوان مانعی در راه بین‌المللی شدن آن در نظر گرفته می‌شود، ولی چنانچه اقتصاد آمریکا با مشکلی مواجه گردد نگاه دیگر کشورها، به‌ویژه در منطقه آسیا، به یوآن چین، حتی بدون آزادسازی کامل، پررنگ‌تر خواهد شد. در این زمینه گیلپین اذعان می‌دارد که «هر نوع رژیم بین‌الملل پول در بستر نظم سیاسی خاصی شکل می‌گیرد». ای‌اچ کار نیز با الهام از گیلپین چنین بیان می‌دارد که «علم اقتصاد فرض خود را بر روی یک نظم سیاسی معینی استوار می‌کند و نمی‌تواند به‌صورت جدای از سیاست مورد مطالعه واقع شود (Hasegawa:543). لذا سیر تحولات

آتی جهانی نیز تاثیرات مستقیم و غیر مستقیمی می‌تواند بر روی بین‌المللی شدن یوآن داشته باشد. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاران خارجی نیز در اقتصاد جهانی با وضعیت بی‌ثباتی فزاینده‌ای که دارد به دنبال ثبات می‌گردند و حتی بدون آزادسازی کامل مالی در چین نیز ممکن است یوآن کنترل شده را نه تنها تحمل کنند بلکه برایشان جذاب نیز باشد. در شرایطی که اقتصاد جهانی با بلاتکلیفی‌ها و بی‌ثباتی‌هایی مواجه است که در سال ۲۰۰۸ منجر به بحران مالی جهانی و سپس بحران بدهی‌های یونان گردید و در حال حاضر موضوع خروج انگلستان از اتحادیه اروپا (برگزیت) و دیدگاه‌های حمایت‌گرایانه دولت ایالات متحده تحت رهبری دونالد ترامپ آن را احاطه کرده، یوآن چین می‌تواند به‌عنوان ارز جذابی برای سرمایه‌گذاران در نظر گرفته شود.

در مقابل، دولت چین از یک طرف در خصوص آزادسازی کامل مالی ملاحظات جدی دارد و از طرف دیگر به کنترل حساب سرمایه می‌پردازد. با وجود این، به مقوله بین‌المللی کردن یوان نیز توجه جدی دارد. بر این اساس، دولت چین تلاش خواهد نمود تا در کنار کنترل جریانات سرمایه، با استفاده از موافقتنامه‌های دوجانبه سوآپ ارزی و دسترسی محدود سرمایه همچنان پیگیر بین‌المللی کردن یوآن خود باشد.

چین برغم موضوعات مربوط به قدرت نقدشوندگی و قابلیت تبدیل، با عنایت به شرایط فوق می‌تواند مزایای قابل توجهی برای کشورهای دیگر اعلام نماید. برخی از این امتیازات می‌تواند به قرار ذیل در نظر گرفته شوند: دسترسی بهتر به بازار بزرگ چین؛ فرصت‌های ترجیحی برای سرمایه‌گذاری در بخش مالی چین که می‌تواند دارای دستاوردهای بهتری نسبت به بازار آمریکا باشد؛ اعمال نظام شناور مدیریت شده بر روی نرخ تبادل یوآن و کاهش مخاطرات تبدیل؛ دسترسی آسان‌تر به چارچوب تحت هدایت چین در زمینه همکاری اقتصادی و کمک‌های احتمالی چین در آینده‌ای که با بحران مواجه می‌شوند؛ دریافت کمک‌های دیپلماتیک و نظامی از سوی چین در صورت استفاده فعال از یوآن در مواقع مورد نیاز توسط دیگر کشورها؛ ایجاد فرصت حذف وابستگی به دلار آمریکا و وابستگی کمتر به اقتصاد آمریکا؛ امکان دور زدن تحریم‌ها از طریق یوآن برای کشورهایی که با تحریم از سوی آمریکا مواجه هستند؛ امکان بهره‌مندی از منابع

صندوق جاده ابریشم و منابع بانک زیرساخت‌های آسیایی^۵ در قالب برنامه یک جاده - یک کمر بند چین.

با وجود این، هر چند که بسیاری از کشورهای آسیایی علاقمند به حذف حکمرانی دلار در اقتصاد جهانی هستند، ولی کشورهای زیادی نیز وجود دارند که علیرغم امتیازات فوق‌العاده‌ای به تغییر سیاست‌های خود از دلار به سمت یوآن نداشته باشند. از جمله دلایلی که در این زمینه می‌توان خاطر نشان نمود به قرار ذیل می‌باشند: برخوردهای ژئوپلیتیک برخی از کشورها با چین؛ سابقه تاریخی دلار در بحران‌ها و ترجیح بسیاری از کشورها در زمینه ذخیره‌سازی دلار جهت داشتن آمادگی برای مقابله با بحران‌های آتی؛ و نظام اقتدارگرایی بوروکراتیک چین و احتمال ایجاد تغییرات پیش‌بینی نشده در مقررات مالی این کشور.

در این میان، بین‌المللی شدن دارای مزایا و چالش‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران است. هر چند که پذیرش یوآن به‌عنوان یکی از ارزهای اصلی جهانی در کنار دلار و یورو زمان‌بر می‌باشد ولی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در حال حاضر نیز از یوآن به‌عنوان یکی از ارزهای قابل توجه در تجارت خارجی خود به‌ویژه با شریک اول تجاری خود یعنی چین توجه نماید. البته در شرایط یوآنی که هنوز بین‌المللی نشده، مهم‌ترین نگرانی طرف ایرانی در امکان تبدیل بدون محدودیت یوآن به ارزهای دیگر بدون تحمیل هزینه‌های غیرمتعارف برای خود خواهد بود. در این خصوص منافع طرف چینی ایجاب می‌نماید که پول حاصل از خرید نفت در خرید کالا از چین یا پیشبرد پروژه‌های مشترک هزینه گردد. این در حالی است که طبعاً منافع طرف ایرانی در این خواهد بود که پول حاصل از فروش نفت خام به این کشور قابلیت تبدیل به ارزهای دیگر را داشته باشد و امکان جابجایی آن به خارج از چین جهت انجام امور تجاری و اقتصادی با دیگر کشورها برای جمهوری اسلامی ایران فراهم باشد. ایجاد زمینه سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه چین برای سرمایه‌گذاران ایرانی نیز به‌عنوان راه کار دیگری می‌تواند مورد نظر واقع شود که بتواند یوآن‌های حاصله از فروش نفت را در راستای منافع خود هزینه نماید.

به‌واسطه اعمال تحریم‌های آمریکا، دولت چین روابط دو کشور را به سمت روابط یوآنی متوجه نموده است. به عبارت دیگر برقراری روابط یوآنی بین دو کشور دارای اثرات متقابل

برای دو کشور بوده است. این بدان معنی است که استفاده یوآن در روابط به دولت چین در راستای بین‌المللی کردن یوآن خود کمک نموده و از طرف دیگر راه کاری بوده برای طرف ایرانی تا بتواند خود را تا حد ممکن از فشار تحریم‌های آمریکا به‌ویژه در روابط خود با شریک اول تجاری و اقتصادی خود رهایی یابد. در این زمینه موضوع مبادله با یوآن و اجتناب این بانک از مبادله با یورو و دلار که موجب افزایش هزینه‌ها و کارمزدهای خدمات بانکی بیشتری برای تجار ایرانی شود مورد گله‌مندی فعالان اقتصادی بوده است. با وجود این، مبادله یوآنی به‌عنوان راه حلی است که از سوی دولت چین برای گذر از تحریم‌های اعمالی از سوی دولت ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است. لذا در مجموع می‌توان چنین ادعا نمود که نه تنها موضوع بین‌المللی شدن یوآن بلکه موضوع تحریم‌ها روابط دو کشور را به سمت انجام مبادلات دوجانبه بر اساس ارز یوآن سوق داده و پیش‌بینی می‌شود که این روند تقویت گردد.

پی‌نوشت‌ها

- ^۱ - البته در کنار دو خرده نظام فوق، خرده نظام دیگری تحت عنوان سازمان جهانی تجارت از دل گات بیرون آمد که به مدیریت امر تجارت در سطح بین‌الملل می‌پردازد.
- ^۲ - آمریکائی‌ها همچنین مزیت نسبی نیروی کار چینی را در بی‌عدالتی در پرداخت حقوق به کارگران چینی در نظر می‌گیرند.
- ^۳ - هر پنج سال ترکیب سبد حقوق برداشت مخصوص توسط صندوق بین‌المللی پول مورد بازبینی قرار می‌گیرد.
- ^۴ - این تصمیم صندوق در اول اکتبر ۲۰۱۶ حالت اجرایی به خود گرفت.
- ^۵ - هر چند که در حال حاضر بر اساس دلار می‌باشد ولی بین‌المللی شدن بیشتر یوآن می‌تواند به استفاده از یوآن در آن سازوکار گردد.

منابع و مأخذ

۱. اصغر مشبکی، سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی و ادغام‌های اقتصادی منطقه‌ای، تهران: موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۲. حسین مهدویان و سیروس فخری، ژئوپلتیک انرژی ایران و امنیت انرژی غرب، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۱۳۹۱، دوره ۴۴، شماره ۴.
۳. سید شمس‌الدین صادقی و کامران لطفی، سیاست نگاه به شرق و تحلیل امکان یا امتناع ائتلاف راهبردی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و چین (۱۳۹۲-۱۳۶۸)، راهبرد اقتصادی، بهار ۱۳۹۴، دوره ۳، شماره ۱۲.
4. Arvind Subramanian, **Eclipse: Living in the shadow of China's Economic dominance**, Washington DC: Peterson Institute for International Economics, 2011.
5. Chi Hung KWAN, **Issues Facing Renminbi Internationalization: Observations from Chinese, Regional and Global Perspectives**, Policy Research Institute, Japan, *Public Policy Review*, Vol. 14, No. 5, September 2018.
6. Christopher A. McNally, **The Political Economic Logic of RMB Internationalization: a Study in Sino-Capitalism**, *International Politics* 52:6, Nov. 2015.
7. Elzbieta Chojna-Duch, **Challenges for the IMF During the Financial Crisis 2008-2012: the Ability to Take Measures to Restore Stability of the Financial Environment**, March 2012.
8. Gabriel Wildau and Tom Mitchell, **China; Renminbi Stalls on Road to Being a global currency**, *Financial Times*, 11 Dec. 2016.
9. James M. Boughton, **The IMF and the Force of History: Ten Events and Ten Ideas that Have Shaped the Institution**, (06/19/2004).
10. Jin Tao, Li Jialin, Wei Yihan, Wu Ye, **Research on the Coordinated Promotion of the "Belt and Road" with the Internationalization of RMB**, 2018 4th International Conference on Economics, Management and Humanities Science (ECOMHS 2018).
11. Jonathon Krishner, "regional Hegemony and an Emerging RMB Zone" in Eric Helleiner and Jonathon Krishner, eds, **The Great Wall of Money: Power and Politics in China's International Monetary Relations**, NY: Cornell University Press, 2014.

12. Masanori Hasegawa, **The Geography and Geopolitics of the Renminbi: A Regional Key Currency in Asia**, *International Affairs*, Volume 94, Issue 3, 1 May 2018, Pages 535-552.
13. Paola Subacchi, **the people's money**, New York: Columbia University Press, (November 22, 2016)
14. Tao Yuan, **The dual-center global financial system: the perspective of China's rise**, Singapore: Springer Singapore, 2018.
15. Y. Cao, **Strategies for Internationalizing the Renminbi, Research Series on the Chinese Dream and China's Development Path**, Singapore: Social Sciences Academic Press and Springer Nature Singapore Pte Ltd, 2018.

